



An Analytical Research on the Variety of Styles in “*Rawz al-Jinan va Rouh al-Jinan*”

Sudabeh Muzaffari* | Zohreh Na’emi**
Seyed Adnan Ashkouri*** | Shahla Babai****

Received: 2019-05-09 | Accepted: 2019-12-07

Abstract

In semantical discussions about the Noble Qur’an, style as a genuine discourse connotation has special significance and conveys meaning through verbal, contextual, and rational evidences. Sheikh Abulfotouh Razi has paid attention to styles in the understanding the meaning of Qur’anic verses in *Rawz al-Jinan*. He has focused on connected verbal styles including prior (Muqaddam), subsequent (Mu’akhar), and enveloping (Muktanif) evidences as well as discrete styles or “the Qur’an to the *Qur’an*” methods. He has also concentrated on contextual styles and the circumstances of revelation as well as rational styles by logical reasoning in Shi’ite philosophy and rational principles. Using descriptive analysis, the present study aims to survey the variety of styles and the extent by which Sheikh Razi has made use of this method in *Rawz al-Jinan*. The results indicate that he has paid attention to various styles in his exegetical method but not equally.



Keywords

Rawz al-Jinan, Semantics and Stylistics, Variety of Styles, Verbal Style, Contextual Style, Rational Style

* Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kharazmi University, Tehran | mozaffari_arabic@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kharazmi University, Tehran | naemi.zohreh@khu.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kharazmi University, Tehran | eshkewaree@yahoo.com

**** Ph.D. Student in Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kharazmi University, Tehran | sbabai52@yahoo.com

□ Muzaffari, S; Na’emi, Z; Ashkouri, S.A; Babai, S. (2020) An Analytical Research on the Variety of Styles in “*Rawz al-Jinan va Rouh al-Jinan*”. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 6 (11) 141-160 . Doi: 10.22091/ptt.2020.4271.1546





پژوهشی تحلیلی پیرامون انواع سیاق، در تفسیر «روض الجنان و روح الجنان»

سودابه مظفری^۱ | زهره ناعمی^۲ | سید عدنان اشکوری^۳ | شهلا بابایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

چکیده

در مباحث معناشناسی قرآن کریم، سیاق به‌عنوان قرینه‌ی اصیل کلامی اهمیت ویژه‌ای دارد، که در آن، معنا از طریق قرینه‌های لفظی، حالی و عقلی به‌دست می‌آید. شیخ ابوالفتح رازی در فهم معنای آیات در تفسیر روض الجنان، برای پدیده‌ی سیاق در انواع مختلفش اهمیت قائل شده است؛ در نوع لفظی سیاق، به انواع متصل آن که شامل قرینه‌های مقدم، مؤخر و مکتف می‌باشد و نیز به نوع منفصل یا همان روش «قرآن به قرآن» پرداخته است؛ شیخ رازی همچنین به سیاق حالی و سبب نزول آیات به‌عنوان قرینه‌ی حالیه و نیز به سیاق عقلی از مسیر استدلال‌های منطقی علم کلام شیعی و مبانی عقل توجه می‌کند. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی انواع سیاق و میزان استفاده‌ی شیخ رازی از این روش در تفسیر روض الجنان بپردازد. نتایج بحث گویای آن است که شیخ، در روش تفسیری خود به انواع سیاق توجه کرده ولی توجه او به همه‌ی آنها یکسان نبوده است.



کلیدواژه‌ها

روض الجنان، معناشناسی و سیاق، انواع سیاق، سیاق لفظی، سیاق حالی، سیاق عقلی.

* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران | mozaffari_arabic@yahoo.com

** استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران | naemi.zohreh@khu.ac.ir

*** استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران | eshkewaree@yahoo.com

**** دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران | sbabai52@yahoo.com

□ مظفری، س؛ ناعمی، ز؛ اشکوری، س.ع؛ بابایی، ش. (۱۳۹۹). پژوهشی تحلیلی پیرامون انواع سیاق، در تفسیر «روض الجنان و روح الجنان».

دوفصل‌نامه‌ی پژوهش‌های تفسیری تطبیقی. ۶ (۱۱)، ۱۶۰-۱۴۱. 10.22091/ptt.2020.4271.1546



طرح مسئله

در هر کلام و متنی معنایی وجود دارد که هدف اصلی گوینده و مؤلف را در خود جای داده است. در فرایند انتقال معنا به مخاطب، عوامل مختلفی به عنوان قرینه‌های زبانی و غیرزبانی دخالت دارند که به صاحب کلام کمک می‌کنند تا منظور خود را به شکل مناسبی بیان کند. قطعاً بدون توجه به این قرینه‌ها درک مفهوم اصلی و منظور گوینده یا مؤلف به خوبی فهمیده نمی‌شود. بنابراین در علم معناشناسی برای شناخت معنا به این قرینه‌ها توجه می‌شود، و آنها را در مبحثی تحت عنوان پدیده سیاق مورد بررسی قرار می‌دهند.

قاعده سیاق که نقشی اساسی در فهم کلام و مراد خداوند متعال دارد، از سده‌های اول هجری مورد توجه اندیشمندان و مفسران قرار گرفته و از اصول مهم تفسیر قرآن به شمار می‌آید. در نظر گرفتن قرینه‌ها، برای فهم مقصود گوینده در فهم متون، از اصول عقلانی و ضروری آن است و عدم توجه به سیاق، به ارائه تفسیری ناقص از قرآن می‌انجامد و فهم درست آیات، به ویژه آیات متشابه را مشکل می‌سازد.

در مباحث معناشناسی قرآن، بین معنای لغوی و معنای سیاقی تفاوت وجود دارد؛ یک واژه در لغت‌نامه معانی متعددی می‌تواند داشته باشد، اما در معنای سیاقی، مرزبندی مشخص و محدودی دارد (حبلس، ۱۹۹۱م، ص ۳۰ / غذامی، ۲۰۰۶م، ص ۴۷ و ۴۸). چنان‌که لاینز گفته دنبال معنای کلمه نباش بلکه دنبال کاربرد آن باش (لاینز، ۱۹۸۰م، ص ۲۳). بر اساس این نظریه، معنی پایه و اولیه کلمه مد نظر نیست بلکه قابلیت کاربرد آن در یک سیاق خاص، مورد نظر است؛ «زیرا اولاً در سیاق قرینه‌هایی وجود دارد که انتخاب یک معنا را از بین معانی مختلفی که در لغت‌نامه یافت می‌شود مشخص می‌کند؛ ثانیاً سیاق مربوط به جایگاه و مقام و حال معینی است که معنا را در سایه قرینه‌های حالیه مشخص می‌کند.» (حسان، ۱۹۹۸م، ص ۳۶۵). بنابراین شناخت معنای سیاقی به فهم نظم خاص بین الفاظ یک متن بستگی دارد.

ابوالفتوح رازی از مفسران بزرگ شیعه، در تفسیر روض الجنان و روح الجنان، علاوه بر جنبه‌های کلامی و روایی، به جنبه‌های ادبی واژه‌های قرآنی مانند مباحث لغوی و زبانی برای روشن شدن معانی کلمات تأکید دارد؛ وی در معناشناسی آیات به مبحث سیاق توجه خاصی

کرده است. مقاله حاضر به شیوه تحلیلی-توصیفی به بررسی سیاق و انواع قرینه‌های آن در این تفسیر می‌پردازد. و درصدد آن است که به این سؤالات پاسخ دهد:

مبحث سیاق در نزد شیخ ابوالفتوح رازی چه جایگاهی دارد؟

انواع سیاق‌های مورد توجه رازی، در تفسیر روض الجنان کدامند؟

شیخ به کدام نوع سیاق در تفسیر خود، اهمیت بیشتری قائل داده است؟

در باب سیاق و انواع آن، و همچنین جایگاه آن در تفسیرهای مختلف، آثار فراوانی

نوشته شده است؛ که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف. کتاب «اللغة و المعنى و السياق» نوشته جون لاینز، به ترجمه عباس صادق الوهاب،

که به ارتباط معنا در زبان با انواع سیاق پرداخته است.

ب. مقاله «بررسی تطبیقی بافت موقعیت برون‌زبانی از دیدگاه فرث هایمز و لوئیس با سیاق

حالی» نوشته مرضیه رستمیان، که در شماره چهارم مجله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن، به سال

۱۳۹۰ منتشر گردیده و دو دیدگاه فرث و لوئیس را در مورد سیاق حالی تحلیل کرده است.

ج. پایان‌نامه «بررسی تطبیقی نقش سیاق در تفسیر قرآن» نوشته سید حسین کنعانی از

دانشگاه قم به سال ۱۳۸۴ به بُعد معنایی و لفظی کلام با استناد به کتاب‌های تفسیری و با

استفاده از منابع حدیثی، فقهی، لغوی و ادبی می‌پردازد.

د. مقاله «گونه‌شناسی سیاق در تفسیر المیزان» نوشته عباس تقویان که در شماره دوم

مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، در سال ۱۳۸۸ منتشر شده و کارکرد و گونه‌های مختلف

سیاق را در تفسیر المیزان بررسی کرده است.

ه. کتاب «روش شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر روض الجنان» نوشته محمد مهدی

حقی، از انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۱۳۸۳ به بیان روش تفسیری شیخ، جایگاه

نقل، علوم قرآنی، ادبی و مباحث کلامی و عرفانی در روض الجنان، ذکر منابع و چاپ‌ها و

ارتباط و مقایسه آن با تفاسیر دیگر پرداخته است.

و. در «تفسیر پژوهی ابوالفتوح رازی» نیز می‌توان گزارشی از کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های

منتشره پیرامون تفسیر روض الجنان مشاهده نمود که توسط سازمان نشر دارالحدیث قم به

سال ۱۳۸۴ منتشر گردیده است.

در آثار یادشده و آثاری از این قبیل که پیرامون سیاق و بررسی انواع آن در متون مختلف و کتب تفسیر نوشته شده، در بحث روش تفسیر و معناشناسی، به تحلیل و بررسی انواع سیاق در تفسیر روض الجنان پرداخته نشده، و این بُعد از ابعاد معناشناسی آیات در این تفسیر مغفول مانده است. هدف از این بحث در مقاله حاضر، شناخت جایگاه و میزان استفاده شیخ رازی از قرینه‌های سیاقی برای کشف معنای آیات در تفسیر روض الجنان است.

سیاق و اهمیت آن در تشخیص معنا

سیاق از ریشه سه حرفی «سوق» به معنای «پشت سرهم آمدن هر چیزی با نظم خاص»، «رشته»، «راندن»، «تابع»، «اسلوب»، «جان‌کندن هنگام احتضار» و «مهریه همسر» آمده است (زمخشری، ۱۹۷۹م، ص ۳۰۴ / معین، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۹۰۳ / دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۹، ص ۱۳۸۶۶ / ابن منظور، ۱۹۹۹م، ج ۶، ص ۴۳۵ / زبیدی، ۲۰۰۹م، ج ۶، ص ۳۸۷). در روایتی از حضرت علی (ع) این واژه به معنی جان‌کندن آمده است: «تَنَفَّسُوا قَبْلَ ضِيقِ الْخِنَاقِ وَانْقَادُوا قَبْلَ عُنفِ السِّیَاقِ» (نفس بکشید پیش از تنگ شدن حلق و اطاعت کنید پیش از سختی جان‌کندن) (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۴، ص ۳۱۰).

زبان‌شناسان و صاحب‌نظران علوم قرآنی، سیاق را بافت خاص جمله، اسلوب سخن، طرز جمله‌بندی عبارات و نظم خاص کلام یا روند کلی سخن معنا کرده‌اند. سیاق همان مفهوم کلی، جامع و مانع است که اجزای سخن را به سمت و سوی مفاهیم مقصود و مورد نظر صاحب‌سخن پیش می‌برد (کنعانی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۹) و «عبارت است از هرگونه دلالت و نشانه‌ای که با لفظی که فهم آن مقصود است همراه باشد خواه آن دلالت و نشانه لفظی باشد به گونه‌ای که با لفظ مورد نظر، کلامی یکپارچه و مرتبط را تشکیل دهند یا غیرلفظی باشد؛ مانند موقعیت‌ها و شرایطی که کلام را دربر گرفته و به موضوع مورد بحث، نقش دلالت‌گری دارند.» (صدر، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰۳ و ۱۰۴) بنابراین، آیات هم‌سیاق دارای سمت و سوی خاص و آهنگ و موضوع واحدی هستند.

«دلالت سیاق، مخاطب را در تبیین و آشکار نمودن کلام مجمل، یقین حاصل کردن به منظور متکلم، تخصیص عام، تقیید مطلق و انواع دلالت‌ها هدایت می‌کند. سیاق از مهم‌ترین قرینه‌های دلالت‌کننده بر مقصود متکلم است» (زرکشی، ۲۰۰۶م، ج ۲، ص ۹۸).

«سیاق در دریافت کامل معانی و کشف مفاهیم مقصود متن، قابلیت‌های عمده دارد، دایره تأویل‌ها را درباره متون محدود می‌کند، تأویل مقصود را تأیید و تأکید می‌کند.» (کنعانی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۹). «ویژگی‌های عقلانی سیاق مانند اتصال، نظم و وحدت موضوع، ذهن شنونده را در فرایند معناشناسی، به مفاهیم مقصود در عرصه‌ای گسترده از انواع دلالت‌های معنایی متعدد رهنمون می‌شود. بنابراین، در کنار معنای لغوی، عناصری مانند شخصیت متکلم و مخاطب و روابط بین این دو، شرایط و مناسبات زمانی، مکانی و رخدادهای پیرامون کلام در تعیین معنا مؤثرند.» (جرجانی، ۱۹۶۱م، ص ۴۶).

یکی از موضوعات مهم در مبحث سیاق، قرینه سیاق است. یعنی هرگونه دلالت لفظی یا معنوی که ما را به معنای سیاقی رهنمون سازد. در همین زمینه بدرالخرجی می‌گوید: «قرینه لفظی عبارت است از آنچه که مفسر را قادر می‌سازد تا از طریق آن، معنای لفظ و نقش فاعلی و مفعولی و غیره را بشناسد. قرینه معنوی نیز آن است که بین عناصر جمله ارتباط برقرار می‌کند؛ مانند رابطه اسنادی، تشابه، تضاد و غیره. برای تشخیص معنای سیاقی، تشخیص درست قرینه‌ها ضروری است که از آگاهی مفسر به علوم قرآنی و زبان عربی ممکن می‌شود» (بدرالخرجی، ۲۰۱۱م، ص ۱۱۹).

انواع سیاق

زبان‌شناسان معاصر، سیاق را با توجه به خصوصیات درون زبانی و عوامل مؤثر خارج زبانی و محیطی، سه نوع می‌دانند: سیاق لفظی یا زبانی، حالی و عقلی^۱

سیاق لفظی (زبانی)

یک جنبه اعجاز قرآن کریم نظم خاص آن است و می‌توان از بررسی محتویات آیات و سوره‌ها و قرینه‌های موجود در آن، به دلالت‌های بسیاری میان کلمات و عبارات پی برد؛ سیاق لفظی، معانی کلمات و عبارات را در جریان قرارگیری آنها در سیاق‌های خاصی از علم نحو، علم صرف و علم شناخت اصوات (موسیقی کلام)، باتکیه بر پایه‌های لغوی بررسی می‌کند و بر ساختار داخلی کلمه یا عبارت، تأکید دارد؛ از این رو آن را سیاق درون زبانی هم

۱. مراجعه شود به کتاب علم الدلالة نوشته احمد مختار عمر ص ۶۹ تا ۷۸ و المعاجم اللغوية في ضوء دراسات علم اللغة

الحديث نوشته محمد احمد ابوالفرج ص ۱۱۶ تا ۱۲۳

می‌نامند (بشیر، ۲۰۱۰م، ص ۴۲) که با توجه به دوری و نزدیکی قرینه‌ها دو نوع است: متصل (ساده) و منفصل (مرکب) (زیدی، ۱۴۲۴م، ص ۲۹۱).

الف. سیاق لفظی متصل (ساده)

در سیاق متصل، قرینه سیاقی، در جریان آیات یک سوره قرار دارد و منظور از آن دلالت‌ها و اشارت‌هایی است که همراه متن آمده‌اند و مهم‌ترین راه به دست آوردن معنای درست متن هستند، زیرا منبع تفسیر خود را از داخل قرآن گرفته است. «این شکل از سیاق، خود بر سه نوع تقسیم می‌شود: سیاق مقدم که در آن، قرینه‌های لفظ یا عبارت مورد نظر، در آیات و عبارات قبل از آن قرار دارد. سیاق مؤخر که در آن، قرینه‌های لفظ یا عبارت مورد نظر در آیات و عبارات بعد از آن قرار دارد. سیاق مکتشف که در آن، قرینه‌ها در آیات و عبارات قبل و بعد از آن لفظ قرار گرفته است.» (همان)

ب. سیاق لفظی منفصل (مرکب)

نوع دیگری از سیاق لفظی وجود دارد که زبان‌شناسان قدیم عربی آن را منفصل نامیده‌اند (زرکشی، ۲۰۰۶م، ج ۲، ص ۲۱۵) و معاصران به آن سیاق مرکب یا تفسیر قرآن با قرآن می‌گویند (زیدی، ۱۹۹۵م، ص ۱۲۰). آیات قرآن در عین مستقل بودن از یکدیگر، پیوستگی و هماهنگی ویژه‌ای دارند. این نوع سیاق که می‌تواند در آیات یک سوره یا چند سوره مختلف قرار داشته باشد، نوعی ارتباط معنایی را به وجود می‌آورد و آیات، شاهد و قرینه معنایی یکدیگر محسوب می‌شوند. در سیاق لفظی متصل، قرینه‌های سیاقی مکمل معنایی هستند که مورد نظر خداوند در آن سوره است و بدون آن قرینه‌ها معنای مورد نظر حاصل نمی‌شود، اما در سیاق لفظی منفصل ممکن است در یک سوره آیتی باشند که مؤید معنای آیه دیگری در همان سوره باشند اما بدون آن قرینه‌ها نیز معنا کامل بوده و نقصی ندارد. بر همین اساس، مفسران با در نظر گرفتن انواع ارتباط میان آیات قرآن به شکلی نظام‌مند و با روش تفسیر قرآن با قرآن، به کشف مدلول‌ها و مقاصد آیات می‌پردازند.

سیاق حالی

در کنار سیاق زبانی، عناصر غیرزبانی بسیاری مانند شرایط زمانی و مکانی کلام، احوال

خاص متکلم، جایگاه مخاطب و حتی شرایط اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی در تعیین دلالت‌های معنایی، دخیل‌اند. «زبان یک پدیده اجتماعی است و نمی‌توان آن را از جامعه و سیاق اجتماعی جدا کرد» (عباس، ۲۰۰۴م، ص ۱۷۴).

«زبان‌شناس معاصر عراقی، کاصد یاسر الزیدی، بین سیاق اجتماعی و سیاق حال تفاوت قائل است؛ او سیاق حال را نوعی جایگاه و شرایط موقتی، به هنگام سخ گفتن یا نوشتن معرفی می‌کند. لکن سیاق اجتماعی را دارای ویژگی ثبات و دوام می‌داند.» (مصطفی، ۲۰۰۷م، ص ۴۸). بنابراین سیاق حال «سیاقی است که شامل تمام احوال و شرایط و مسائلی است که با متن مرتبط بوده و موقع سخن گفتن و یا نوشتن آن را در بر می‌گیرد.» (سعران، ۱۹۶۲م، ص ۳۳۸).

«برخی معتقدند که نظریه سیاق حال را دانشمند انگلیسی جون فرث^۱ مطرح کرده؛ در حالی که دانشمندان عرب‌زبان در قرون گذشته، مانند سیبویه، جاحظ، ابن قتیبه، ابن جنی و عبدالقادر جرجانی به آن پرداخته‌اند؛ طرح مستمر عبارت‌هایی چون «لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ» و «مُطَابَقَةُ الْكَلَامِ مُقْتَضِي الْحَالِ» شاهد بر آن است که آنها به دخالت عناصر اجتماعی و روانی مقارن متن و شرایط متکلم یا نویسنده کلام، توجه داشته‌اند.» (بشیر، ۲۰۱۰م، ص ۳۹).

در تفسیر قرآن، بهترین وسیله برای شناخت این احوال و شرایط، اسباب نزول آیات است. «اسباب نزول عبارت است از اموری که یک یا چند آیه و یا سوره‌ای در پی آنها و به‌خاطر آنها در زمان رسول اکرم (ص) نازل شده است؛ شناخت اسباب نزول در معناشناسی قرآن ما را به مکان و زمان و حوادث پیرامون نزول آیه مطلع می‌کند و خود قرینه‌ای برای بررسی مراد آیات و مدلول واژه‌ها و عبارات قرآنی است.» (زرکشی، ۲۰۰۶م، ص ۲۰).

سیاق عقلی

عقل به‌عنوان قوه درک ویژه انسان در تفسیر قرآن، در تمام مراحل، نقش ایفا می‌کند و غالباً آنجا که قرینه‌هایی از سیاق لفظی یا حالی یافت نشود، مفسر با تحلیل عقلی و استدلال منطقی به معانی موردنظر خداوند دست می‌یابد. حضور عقل در نقش‌های سلبی و ایجابی، یعنی ردّ مفاهیمی که برخلاف حکم قطعی عقل در ظاهر آیات وجود دارد یا تأیید و تقویت

مفاهیمی که مطابق ادله قطعی هستند، واضح است؛ اما آنچه مورد بحث قرار می‌گیرد، جایگاه عقل در تحلیل و بررسی آیات با توجه به راه‌های فهم کلام است که نقش عقل در اینجا، ابزاری و متمم منابع دیگر است. یعنی عقل با استفاده از لغت، آیات، روایات و قرینه‌های پیوسته و ناپیوسته کلام، مجهولات خود را کشف و به فهم مراد خداوند از آیه کمک می‌کند؛ به‌ویژه که می‌بینیم دسته‌ای از آیات قرآن در مسائل مختلف، خصوصاً خداشناسی و نبوت، استدلال‌های عقلی را مطرح نموده‌اند که توضیح آنها برعهده عقل مجرب و ورزیده است.

علی‌الصغیر دانشمند علوم قرآنی معاصر، نقش تبیینی عقل را مهم‌تر از دو نقش دیگر می‌داند و معتقد است «عقل با تشخیص و ترجیح داده‌ها پیونددهنده و کامل‌کننده منابع دیگر است.» (علی‌الصغیر، ۱۴۲۰ق، ص ۶۵). «بررسی روش مفسران صدر اسلام و اصحاب پیامبر اکرم (ص) چون ابن عباس و ابن مسعود، و حتی تابعانی همچون مجاهد و غیره، به خوبی بیانگر آن است که اولین گروه مفسران معروف، پیرو تفسیر اجتهادی بوده‌اند.» (عمید زنجانی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۳۱).

انواع سیاق در تفسیر روض الجنان

سیاق لفظی

شیخ ابوالفتوح رازی در تعیین معنای واژگان و عبارات، در مواردی به سیاق لفظی و قرینه‌های آن توجه می‌کند و در تفسیر خود، آنجا که ادله و قرینه‌های روشنی در آیات و سوره‌ها وجود دارد و یا نیاز به استدلال‌های پیچیده عقلی نیست، همچنین در استدلال منطقی، برای اثبات معنی آیه‌ای، در کنار برهان‌های عقلی، از قرینه‌های لفظی بهره می‌گیرد. به نمونه‌هایی از کاربرد این نوع سیاق در تفسیر او اشاره می‌کنیم:

۱- سیاق لفظی متصل

الف: سیاق لفظی متصل (مقدم):

«وَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ...» (کهف: ۱۹) «قوله: وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ، و همچنین از خواب بر کردیم ایشان را، یعنی همچنان که ایشان را در غار بردیم و بخوابانیدیم و به ترس ایشان را ممنوع کردیم، همچنین ایشان را از خواب بیدار کردیم.»

(رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۳۳۳). شیخ در این آیه، کلمه «بَعَثَ» را به قرینه آیه دوازدهم همین سوره به معنی «از خواب بیدار کردن» آورده است: «ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ» پس برانگیختیم ایشان را. و «بَعَثَ»، از خواب بر کردن باشد و فرستادن و تحریرض قال الله تعالى: مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا. (همان، ص ۳۲۶) و دلیل این معنا را نیز آیه یازدهم همین سوره معرفی می کند که «فَصَبَّرْنَا عَلَيَّ آذَانِهِمْ فِي الْكُهْفِ سِنِينَ عَدَدًا، بزديم بر گوش های ایشان در آن غار سال های بسیار، و این کنایت است از آنکه خواب بر ایشان افگندیم.» (همان، ص ۳۲۷).

ب- سیاق لفظی متصل (مؤخر):

در سوره ابراهیم نمونه ای از کاربرد سیاق لفظی مؤخر را در تعیین معنای عبارت «ایام الله» می بینیم: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ...» (ابراهیم: ۵).

رازی در بیان معنی این عبارت، دو قرائت را از دو گروه می آورد و برای اثبات سخن هر کدام از آنها، شواهدی از اشعار مشهور عرب ذکر می کند؛ آن دو قرائت عبارتند از: «نِعْمَ اللَّهُ» و «نِعْمَ اللَّهُ فِي أَعْدَائِهِ». او هر دو معنی را درست می داند و می گوید: «اگر حمل کنند بر هر دو، اولی تر است لاستغراقه المعنیین، و این شامل تر بود فایده را» (همان، ج ۱۱، ص ۲۵۰). منظور شیخ این است که در ادامه این آیه، آیات و عباراتی آمده که در آنها از نعمت هایی سخن گفته شده که خداوند بر حضرت موسی (ع) و قوم او عطا فرموده و نیز از عذاب ها و بلاهایی یاد شده که بر فرعون و گروه او و اقوام سرکش پیشین نازل گردیده است.

ج- سیاق لفظی متصل (مکنتف):

«أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ...» (بقره: ۱۸۴) شیخ در تفسیر این آیه، در شرح عبارت «أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ»، آن را یک دوره یک ماهه مشخص واجب، در ماه مبارک رمضان معنا می کند و بر این معنا از قرینه های موجود در آیات ۱۸۳ و ۱۸۵ همین سوره، کمک می گیرد، چرا که در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳)، از تکلیف شدن این فریضه بر پیشینیان، سخن می گوید که مانند آنان، بر مسلمین نیز واجب شده است، تا باعث قوت قلب و تلاش برای کسب تقوی در مسلمانان شود. همچنین در آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...» (بقره: ۱۸۵)، از

اختصاص ماه مبارک رمضان بر این تکلیف سخن گفته شده تا حدود زمانی عبارت «ایاماً معدودات»، مشخص شود. «ماه رمضان بر شما نوشتند چنان که بر امت پیشین نوشتند از ترسایان هم این یک [ماه بود]». (همان، ج ۳، ص ۷).

۲- سیاق لفظی منفصل (مرکب)

شیخ در تفسیر مفهوم یک آیه در کنار ابزارهای زبانی، شواهد شعری، ادبی، بلاغی، اقوال، روایات و غیره، با اهتمام بیشتری از روش سیاق لفظی منفصل (تفسیر قرآن با قرآن) استفاده می‌کند. او در تفسیر آیاتی که زیرمجموعه آیات متشابه می‌داند، از این روش بهره می‌جوید. از نظر او مقصود وحی را چیزی جز خود قرآن مشخص نمی‌کند (همان، ج ۱، ص ۵). در اینجا نمونه‌ای ذکر می‌کنیم:

«إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (قصص: ۵۶). شیخ در اثنای تفسیر این آیه به قول برخی مخالفان اشاره می‌کند که معتقدند این آیه در شأن ابوطالب عمومی پیامبر (ص) نازل شده است و چنین استدلال می‌کنند که بر اساس این آیه ابوطالب مشرک زیست و مشرک از دنیا رفت. شیخ این استدلال را رد می‌کند و می‌گوید: «در ظاهر آیت ایشان را تمسکی نیست، برای آنکه اگر تسلیم کنند که آیت در شأن ابوطالب آمد، در آیت بیش از این نیست که تو (ای رسول) این نوع هدایت نتوانی دادن آن را که تو خواهی، بل این نوع هدایت به من تعلق دارد، نگفت من ندادم او را.» (همان، ج ۱۵، ص ۱۴۸). برای اثبات عدم کفر ابوطالب در این آیه و میرا بودن پیامبر (ص) از دوستی با کافران، آیاتی را به عنوان سیاق این آیه، از سوره‌های مختلف قرآن می‌آورد و چنین می‌گوید:

«در این لفظ اثبات محبت باشد ابوطالب را، و به اتفاق نشاید که رسول-علیه السلام- کافری را مصرّ بر کفر دوست دارد، چه او را و ما را فرموده‌اند که از کافران تبراً کنیم و با ایشان معادات کنیم، و عقل و شرع اقتضای این کند، و قرآن به این ناطق است در چند آیت، منها قوله: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ...» (مجادله: ۲۲)، و منها قوله: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَّوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه: ۱)» (همان، ص ۱۴۸).

رازی با استدلال به این گروه از آیات، نشان می‌دهد که ادعای کفر ابوطالب در آیه مورد بحث، ادعایی کاملاً غلط است؛ این در حالی است که از نظر معنا و الفاظ ارتباطی بین این آیات با آیه مورد نظر نیست، لکن با کمک گرفتن از آنها توانسته ابهام موجود در مفهوم آن را که بیانگر کفر یا ایمان ابوطالب باشد، برطرف سازد.

سیاق حال

شیخ ابوالفتوح در تفسیر آیات، در کنار قرینه‌های لفظی، به قرینه‌های حالی توجه خاصی دارد و تفسیر را علم به سبب نزول آیات می‌داند (همان، ج ۱، ص ۳ و ۲۳ و ۲۴) و به این نوع سیاق بعد از تفسیر قرآن به قرآن بیشتر اهمیت می‌دهد. او تفسیر را بدون توجه به اسباب نزول آیات و شرایط پیرامون آیه و روایات مربوط به آن امکان‌پذیر نمی‌داند (همان). به نمونه‌ای از موارد استفاده شیخ از سیاق حالی در تفسیر آیات اشاره می‌کنیم:

«وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَ لَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ نَرَاكَ فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَبْحًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» (اعراف: ۱۴۳). شیخ در تفسیر این آیه با استفاده از اسباب نزول، حوادث، شرایط زمانی و مکانی و جایگاه مخاطب و متکلم به خوبی به تشریح و تفسیر منطقی آن می‌پردازد. در ابتدا او معتقد است که بر اساس قرینه‌های حالیه (آیه ۱۵۵ همین سوره)، درخواست رؤیت خداوند از جانب قوم موسی (ع) مطرح شد نه خود آن حضرت، و آن بعد از بازگشت موسی (ع) از میقات بود:

«چون ایشان این بشنیدند، و خدای آنچه وحی خواست کرد بر موسی -علیه السلام- وحی کرد، و موسی از حجاب برون آمد، گفت ایشان را: کلام خدای شنیدی؟ گفتند: کلامی شنیدیم و ندانیم تا کلام خدای بود یا نه! جز که چیزی شنیدیم و ما را هنوز آن شک حاصل است که بود، و این شک ما زایل نشود جز که خدای را به معاینه ببینیم. تو از خدای درخواه تا خود را معاینه به ما نماید.» (همان، ج ۸، ص ۳۷۶).

بعد از این درخواست حضرت با ناراحتی و ناچاری درخواست قوم را به خداوند عرض کرد: «قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ»، آنگاه خطاب آمد که «لَنْ نَرَاكَ»، هرگز، اما نگاه کن به کوه، اگر پایدار باقی ماند، تو نیز خواهی توانست مرا ببینی. در این قسمت، شیخ شرایط حادثه را

بسیار هولناک توصیف می‌کند و قرینه آن، این است که اولاً خداوند به جای جسم ضعیف موسی (ع) کوهی با عظمت را انتخاب می‌کند؛ ثانیاً حضرت حق تنها نوری از خود را بر آن کوه متجلی می‌کند که باعث انفجار و خرد شدن آن کوه می‌شود. و این به سبب عنایت خاص حق تعالی به آن حضرت و نمایاندن عظمت الهی به قوم او بود و اثبات این که رؤیت جسمانی حق تعالی ممکن نیست. رازی با توجه به این قرینه، کلمه «نور» را در عبارت *فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ مَحذُوفٌ* می‌داند: «این اقوال همه علی حذف المضاف و اقامة المضاف الیه مقامه، اعني تجلَّى رَبّه، أي نور رَبّه. و «تجلَّى» به معنی ظهر، و قيل: معناه تجلَّى رَبّه لأهل الجبل، هم بر این طریقه حذف مضاف و اقامت مضاف الیه به جای او.» (همان، ص ۳۷۷).

به لطف خاص خداوند بر موسی، او از دیدن این عظمت بیهوش شد و نمرد، و قرینه این معنی *فَلَمَّا أَفَاقَ* است، چنان که شیخ رازی می‌گوید: «قوله: *وَ حَرَّ مُوسَى صَبِحًا*، موسی بيفتاد بیهوش. بیشتر بر این اند، و قتاده گفت: میتا، بمرد، و این قول درست نیست برای ظاهر قرآن که حق تعالی گفت: *فَلَمَّا أَفَاقَ*، چون باهوش آمد، و این معنی علیه را گویند، و اگر مرده بودی گفتمی: *فَلَمَّا أَحْيَى*.» (همان، ص ۳۷۸).

سپس موسی (ع) به حالت خضوع و تسبیح و توبه در آمد: «باری سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ، این تنزیه به چه درخور است آنجا؟ یعنی زن نداری و فرزند نگیری و با کس نمایی و ظلم نکنی، آنجا این لایق نیست، معنی جز این نباشد تا سخن متناسب شود که [تو] منزهی از آنکه چشم بینندگان و ادراک مدرکان و حاسه بصر و دیدار دیده سر به تو رسد.» (همان، ص ۳۸۲).

شیخ در انتهای تفسیر آیه، بیان می‌کند سه قرینه حالیه وجود دارد که معنای محال بودن رؤیت جسمانی خداوند را در این آیه اثبات می‌کنند و آن سه قرینه، در عبارات «سُبْحَانَكَ»، «تُبْتُ إِلَيْكَ» و «أَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» هستند. موسی (ع) بعد از تسبیح و تنزیه خداوند از رؤیت جسمانی، از جهل و غفلت مردم، به شناخت و معرفتی که داشت برمی‌گردد و می‌گوید من اولین کسی هستم که معتقدم خدا را نمی‌توان با چشم سر دید.

سياق عقلی

«زیستگاه ابوالفتح رازی - ری - در قرن پنجم و ششم از نظر گسترده بودن مجادلات فرقه‌های مذهبی مانند معتزلیان، اشعریان، اهل سنت و شیعه و... که در ری پایگاه‌های فکری فعال داشتند،

موقعیت ویژه‌ای داشته است. این فضا تأثیر خود را بر گرایش‌های تفسیری آن زمان برجای نهاد که نمونه‌های بارز آن را در جهت‌گیری کشفی زمخشری و تفسیر کبیر فخر رازی می‌توان دید، تفسیر *روض الجنان* نیز هر چند که به اندازه دو تفسیر یادشده آغشته به مسائل کلامی و مذهبی نیست با این حال صدها موضوع و بحث کلامی و فقهی در تفسیر ابوالفتوح به چشم می‌خورد، مسائلی چون حقیقت ایمان، جبر و اختیار، مجادله با کافران، توحید، عدل، قضا و قدر، کلام خدا، توبه، شفاعت و... از مهم‌ترین مباحث کلامی مطرح شده در تفسیر ابوالفتوح است که شیخ با ادله عقلی و نقلی به دفاع از نگرش مورد انتخاب خویش برخاسته است. (هاشمی، ۱۳۸۴ش، ص ۴۴).

«متکلمین در اصول دین به دلایل عقلی یا به روایات متواتر تمسک می‌کردند که موجب یقین باشد و از ظواهر ظنی احتراز می‌جستند. ابوالفتوح نیز همین طریقه را پیمود.» (فایدتی، ۱۳۸۴ش، ص ۸) او در تفسیر برخی از آیات به نقل اقوال پرداخته و با ذکر دلایلی نظر خود را اظهار کرده، و در برخی دیگر نیز از عقل استمداد جسته است. شیخ در تفسیر خود علم کلام و عقلیات را بسیار وارد کرده و تشکیکات و مجادلات خارج از مدلول آیات، که در تفسیر به آنها نیاز نیست، را هم آورده است. به نمونه‌ای اشاره می‌کنیم:

اثبات وحدانیت خداوند

«وَإِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ * إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِذَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَضْرِبُ الرِّيَّاحُ وَالسَّحَابُ الْمُسَخَّرَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره: ۱۶۳ و ۱۶۴) که شیخ رازی، آیه اول را ادعای وحدانیت خداوند می‌داند و آیه دوم را دلیل‌های محکمی بر این ادعا، و پاسخ‌های روشنی در رد اعتقادات مسیحیان، کافران، مشرکان و بت پرستان به حساب می‌آورد و چنین می‌نویسد:

«حق تعالی در این دو آیت ذکر و تقریر وحدانیت خود کرد، در آیت اول توحید خود گفت، و در آیت دوم ادله آن گفت. و معنی آنکه ما گوییم: خدای یکی است، بر چهار وجه بود: یکی آنکه مثلی و نظیری و کفوی ندارد، دوم آنکه منفرد بود به الهیت و استحقاق عبادت. سوم آنکه تجزئی و تبعیض بر او روا نباشد. چهارم آنکه در صفات ذات منفرد است از قدیمی و دیگر صفات. پس در این دو فایده بود: یکی اثبات او، و دگر نفی امثال و اشکال او در این آیت دلیل بود بر بطلان قول ملحدان و ترسایان.» (رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۶۵).

جدول آمار تقریبی کاربرد انواع سیاق (در بیان معنای واژه و مصداق آیه) در تفسیر روض الجنان

(مطالعه موردی سوره‌های بقره، اعراف، مائده، نحل)

انواع سیاق	لفظی مقدم	لفظی مؤخر	لفظی مکتف	قرآن با قرآن	حالی	عقلی	جمع
تعداد تقریبی انواع سیاق در سوره بقره	۷۹	۲۱	۱۴	۲۳۷	۱۸۸	۱۱۰	۶۴۹
محاسبه درصدی	۱۲/۱۷٪	۳/۲۳٪	۲/۱۶٪	۳۶/۵۳٪	۲۸/۹۶٪	۱۶/۹۵٪	۱۰۰٪

انواع سیاق	لفظی مقدم	لفظی مؤخر	لفظی مکتف	قرآن با قرآن	حالی	عقلی	جمع
تعداد تقریبی انواع سیاق در سوره اعراف	۳۱	۱۵	۱۰	۲۴۵	۵۷	۴۹	۴۰۷
محاسبه درصدی	۷/۶۱٪	۳/۶۸٪	۲/۴۵٪	۶۰/۱۹٪	۱۴٪	۱۲/۰۳٪	٪۱۰۰

انواع سیاق	لفظی مقدم	لفظی مؤخر	لفظی مکتف	قرآن با قرآن	حالی	عقلی	جمع
تعداد تقریبی انواع سیاق در سوره مائده	۶۰	۲۰	۲۴	۲۳۶	۱۴۸	۹۲	۵۸۲
محاسبه درصدی	۱۰/۳۰٪	۳/۴۳٪	۴/۱۳٪	۴۰/۵۴٪	۲۵/۴۲٪	۱۵/۸۰٪	۱۰۰٪

انواع سیاق	لفظی مقدم	لفظی مؤخر	لفظی مکتف	قرآن با قرآن	حالی	عقلی	جمع
تعداد تقریبی انواع سیاق در سوره نحل	۳۱	۱۵	۱۰	۱۳۵	۸۰	۳۵	۳۰۶
محاسبه درصدی	۱۰/۱۳٪	۴/۹۰٪	۳/۲۶٪	۴۴/۱۱٪	۲۶/۱۴٪	۱۱/۴۳٪	۱۰۰٪

نتایج پژوهش

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان در چند مورد خلاصه کرد:

۱. شیخ رازی توجه به قرینه‌های سیاقی را در فهم آیات قرآن ضروری می‌داند.
۲. شیخ، در روش تفسیری خود، به انواع سیاق «لفظی، حالی و عقلی» توجه کرده، ولی توجه ایشان به همه آنها یکسان نبوده است.
۳. رازی در این تفسیر، در میان همه انواع سیاق، به سیاق لفظی منفصل (قرآن با قرآن)

عنایت بیشتری دارد؛ بعد از آن، سیاق حالی و اسباب نزول آیات را به عنوان حوادث و شرایط حاکم بر نزول آیات، مهم‌ترین قرینه‌های حالیه و اساس تفسیر می‌داند.

۴. بعد از دو نوع سیاق مذکور، شیخ از سیاق لفظی متصل به صورت محدود و جایی که قرینه‌های لفظی بسیار روشن بر معنای مراد وجود داشته، و بر حسب نیاز، از این قرینه‌ها استفاده می‌کند، به همین میزان به سیاق عقلی نیز در صورت نیاز به اثبات، از مسیر استدلال‌های منطقی علم کلام و مبانی عقلی توجه می‌کند.

فهرست منابع

قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مكرم؛ لسان العرب؛ چاپ سوم، لبنان: دار التراث العربی، ۱۹۹۹م.
- ابوالفرج، محمد احمد؛ المعاجم اللغویه فی ضوء دراسات علم اللغة الحديث؛ مصر: دار النهضة العربیه، ۱۹۶۶م.
- بدرالخزرجی، عبدالباقی؛ «قرینه السياق و اثرها فی النص القرآنی»، مجله کلیه التربیه الاساسیه؛ الجامعه المستصریه، عدد ۶۸، ۲۰۱۱م.
- بشیر، خلیل خلف؛ «السياق انماطه و تطبيقاته فی التعبير القرآنی»، مجله القادسیه فی الآداب و العلوم التربویه، جامعه بصره، مجلد ۹، عدد ۲، ۲۰۱۰م.
- جرجانی، ابوبکر عبدالقاهر بن عبدالرحمن؛ دلائل الإعجاز؛ تصحیح شیخ محمد عبده و شیخ محمد عمود الشنقیطی؛ لبنان: دار الکتب العلمیه، ۱۹۶۱م.
- حبلس، محمدیوسف؛ البحث الدلالي عند الاصولیین؛ چاپ اول، المملکه العربیه السعودیه: مکتبه عالم الکتب، ۱۹۹۱م.
- حسان، تمام؛ اللغة العربیه میناها و معناها؛ چاپ ۳، قاهره: عالم الکتب، ۱۹۹۸م.
- دهخدا، علی اکبر و دیگران؛ لغت نامه دهخدا؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق: محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- زبیدی، محمد بن محمد بن عبدالرزاق المرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ مصر: المطبعه الخیریه، ۲۰۰۹م.
- زركشى، بدرالدين محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ تحقیق ابوالفضل الدمیاطی؛ قاهره: دار الحديث، ۲۰۰۶م.
- زمخشری، جارالله ابوالقاسم محمود بن عمر؛ اساس البلاغه؛ تحقیق عبدالرحیم محمود؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۷۹م.
- زیدی، ابتهاج کاصد یاسر؛ «البحث الدلالي فی التبیان فی تفسیر القرآن»؛ رساله دکتری، به راهنمایی دکتر علی جمیل السامرائی، رشته زبان و ادبیات عربی، دانشکده تربیه للبنات، دانشگاه بغداد، ۱۴۲۴ق.
- زیدی، کاصد یاسر؛ «الدلاله فی البنیه العربیه بین السياق اللفظی و السياق الحالی»، آداب الرافدین، جامعه موصل، عدد ۲۶، ۱۹۹۵م.
- سعران، محمود؛ علم اللغة؛ مصر: دارالمعارف، ۱۹۶۲م.
- صدر، سید محمد باقر؛ دروس فی علم الاصول؛ بیروت: دارالکتب اللبنانی، مکتبه المدرسه، ۱۴۰۶ق.
- عباس، حامد کاظم؛ الدلاله القرآنیه عند الشریف المرتضی (دراسه لغویه)؛ چاپ اول، بغداد: دارالشؤون الثقافیه، ۲۰۰۴م.

- علی‌الصغیر، محمدحسین؛ المبادئ العامه لتفسير القرآن الكريم؛ بيروت: دارالمؤرخ العربی، ۱۴۲۰ق.
عمر، احمد مختار؛ علم الدلاله، چاپ ۴، قاهره: عالم الكتب، ۱۹۹۳م.
عمید زنجانی، عباسعلی؛ مبانی و روش های تفسیر قرآن؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ش.
غذامی، عبدالله محمد؛ الخطیئه و التفکیر؛ چاپ ششم، مغرب: دارالبيضاء (المركز الثقافی العربی)، ۲۰۰۶م.
فایدتی، اکبر؛ «برخی از اندیشه های کلامی شیخ ابوالفتوح رازی»، مجله آینه پژوهش، شماره ۹۴، ۱۳۸۴ش.
کنعانی، سید حسین؛ «سیر تحول کاربرد سیاق در تفسیر»، مجله مشکوه، شماره ۸۷، ۱۳۸۴ش.
لایتر، جون؛ علم الدلاله؛ ترجمه مجید عبدالحلیم الماشطه؛ بصره: بی نا، ۱۹۸۰م.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: مطبعه مؤسسه الوفاء، ۱۹۸۳م.
مصطفی، عواطف کنوش؛ الدلاله السیاقیه عند اللغویین؛ لندن: دارالسیاب للطباعه و النشر، ۲۰۰۷م.
معین، محمد؛ فرهنگ معین؛ تهران: انتشارات ادنا، ۱۳۸۶ش.
هاشمی، حسین؛ «ابوالفتوح رازی و تفسیر قرآن به قرآن»، فصلنامه پژوهش های قرآنی، مرکز پژوهش های علوم اسلامی و انسانی، ش ۴۱، ۱۳۸۴ش.

References

- The Noble Qur'an.
Majlisi, Muhammad Baqir ibn Muhammad Taqi (1983). *Bahar al-Anwar*. 2nd ed. Beirut: Dar al-Vafa'.
- Abbas, Hamid Kazim (2004). *Al-Dala'lah al-Qur'aniah end ash-Sharif al-Murtaza*. 1st ed. Baghdad: Al-Thiqafiah.
- Abulfaraj, Muhammad Ahmad (1966). *Al-Ma'ajim al-Lughaviah fi Zu' Dirasat Elm al-Lughah al-Hadith*. Egypt: Dar an-Nihzah al-Arabiah.
- Ali al-Saghir, Muhammad Hussain (1420). *Al-Mabadi al-Ammah letafsir al-Qur'an al-Karim*. Beirut: Dar al-Mu'arikh al-Arabi.
- Amid, Zanjani, Abbasali (1373). *Mabani va Raveshhaye Tafsir-i Qur'an*. 3rd ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Badral-Khazraji, Abdolbaqi (2011). Qarinah al-Siyah va Atharaha fi an-Nas al-Qur'ani. *Journal of Kulliyah al-Tarbiah al-Asasiah*: University of al-Mustansaiyah. Issue 68.
- Bashir, Khalil Khalaf (2010). Al-Siyah Anmatah va Tatbiqatih fo al-Ta'bir al-Qur'ani. *Journal of al-Qadsiah fi al-Adab va al-Ulum al-Tarbuyah*. Basrah University. Vol. 9. Issue 2.
- Dehkhuda, Ali Akbar et. al. (1377). *Lughat Nameh Dehkhuda*. Tehran: Tehran University Publication.
- Fayda'i, Aknbar (1384). Barki Andishe-haye Kalami Sheikh Abolfotuh Razi. *Journal of Ayeneh Pazhuhesh*. Issue 94.
- Ghazami, Abullah Muhammad (2006). *Al-Khati'ah va al-Tafkir*. 6th ed. Maghrib: Dar al-Beyza'.
- Hablas, Muhammad Yusuf (1991). *Al-Bahs al-Dalali endal-Usuliyin*. 1st ed. Saudi Arabia: Alam al-Kutub.

- Hashimi, Hussain (1384). Abulfotuh Razi va Tafsir Qur'an be Qur'an. *Biannual Journal of Qur'anic Research*. The Research Center of Islamic Science and Humanities. Issue 41.
- Hisan, Tamam (1998). *Al-Lighah al-Arabiah Mabnaha va Ma'naha*. 3rd ed. Cairo: Alam al-Kutub.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukram (1999). *Lisan al-Arab*. 3rd ed. Beirut: Dar Sadir.
- Jurjani, Abdolqahir ibn Abd al-Rahman (1961). *Dala'il al-I'jaz*. 1st ed. Sheikh Muhammad Abdah & Sheikh Muhammad Amud al-Shaqiti (Ed.) Lebanon: Dar al-Kutub al-Elmiah.
- Kan'ani, Seyed Hussein (1384). Seyr Tahawul Karburd Siyaq dar Tafsir. *Journal of Mashkouh*. Issue 87.
- Lions, June (1980). *Elm al-Dalalah*. Majid Abd al-Halim al-Mashitah (Trans.). Basrah: Anonymous.
- Mustafa, Awatif Kanush (2007). *Al-Dalalah al-Siyaqiah enal-Ghuiin*. London: Dar al-Sayab.
- Razi, Abulfotouh Hussain ibn Ali (1408). *Rawz al-Janan va Rouh al-Janan fi Tafsir al-Qur'an*. Researched by Muhammad Ja'far Yahaqi & Muhammad Mehdi Nasih. Mashhad: Astan Quds Razawi.
- Sa'ran, Mahmoud (1962). *Elm al-Lughah*. Egypt: Dar al-Ma'arif.
- Sadr, Seyed Muhammad Baqir (1406). *Durus fi El al-Usul*. Beirut: Dar al-Kutub al-Lubnani, al-Madrisah.
- Umar, Ahmad Mukhtar (1993). *Elm al-Dalalah*. 4th ed. Cairo: Alam al-Kutub.
- Zamakhshari, Jarallah Abulqasim Mahmoud ibn Umar (1979). *Asas al-Balaghah. Researched by Abd al-Rahim Mahmoud*. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Zarkeshi, Badr al-Din Muhammad ibn Abdullah (2006). *Al-Burhan fi Ulum al-Qur'an*. Researched by Abulfazl al-Damyati. Cairo: Dar al-Hadith.
- Zeydi, Ibtihal Kasid Yasir (1424). *Al-Bahth al-Dalali fi at-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. Ph.D. Thesis, Supervised by Dr. Ali Jamil al-Samiraii, University of Baghdad.
- Zeydi, Ibtihal Kasid Yasir (1995). *Al-Dalalah fi al-Baniah al-Arabiah bayn al-Syaq al-Lafzi va al-Siyaq al-Hali. Adab al-Rafidin*. University of Mussel, No. 26.
- Zubaydi, Muhammad ibn Abd al-Razzaq al-Murtaza (2009). *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus*. Egypt: Al-Kheyriah.
- Mo'in, Muhammad (1386). *Farhang-i Mo'in*. Tehran: Adena.